

موضع سهروردی در باب منطق؛ دگردیسی بنیادین از سنت ارسطویی

مصطفی عابدی جیغه^۱؛ مرتضی شجاری^۲

چکیده

در اندیشه سهروردی منطق برخلاف سنت ارسطویی طریقت خود را نسبت به شناخت از دست میدهد و جایگاه منطق به بعد از تحقق حکمت موکول میشود. سنت ارسطویی، تمام دانش آدمی را بجز مبادی شناخت به حیطة شناخت حصولی وارد ساخته و معرفت را امری نظری تلقی میکند؛ اما شیخ اشراق با حضوری دانستن شناخت، آن را از حیطة تفکر مفهومی و حصولی بیرون میکشد و شناخت را در گام نخست پیشانظری تصور مینماید. سهروردی حکمت را نخست از طریق شهود بدست می‌آورد و سپس برای آن برهان اقامه مینماید. وی با چرخشی بنیادین تفکر مفهومی را بر پایه تفکر حضوری استوار میسازد و ساحت حضور را

۱۱۱

۱. دانشجوی دکتری فلسفه دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)؛ abedi2015@yahoo.com

۲. استاد گروه فلسفه دانشگاه تبریز؛ mortezashajari@gmail.com

تاریخ تأیید: ۹۸/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۱/۱۸



معیار ساحت حصول قرار میدهد و با این تلقی، برخلاف جهت اندیشه ارسطویی قدم برمیدارد و تلقی ارسطویی را مبنی بر اینکه تفکر حصولی معیار هرگونه اندیشه‌یی است نقض مینماید.

کلیدواژه‌ها:

حکمت، اشراق، منطق، طریقت منطق، سنت ارسطویی، سهروردی

* * *

مقدمه

سنت ارسطویی بجز قواعدی که از منطق بدست می‌آورد، هیچ راهی برای شناسایی حق از باطل و راست از دروغ و نیک از بد و یقین از شک نمیشناسد. در این تلقی، منطق مدخل برای هرگونه شناختی بحساب می‌آید و قواعد منطقی بر تمام اعمال شناختی آدمی حکومت دارد. این سنت همواره منطق را حاوی یقین‌ترین قوانینی میداند که تمام گونه‌های شناختی را شامل میشود (ارسطو، متافیزیک، ۱۰۰۵b). در این نگاه بنوعی سیطرهٔ منطق بر تمام تفکر آدمی سایه افکنده و شرط رسیدن به هرگونه حقیقتی بحساب می‌آید. فارابی نیز بعنوان یکی از پیروان سنت ارسطویی، تنها راه وصول به حقیقت را به نظم منطقی محصور میکند و آن را معیار صدق و راستی هرگونه معرفتی توصیف مینماید (فارابی، ۱۳۸۴: ۵۱). اما بنظر میرسد این انحصار با ظهور ۱۱۲ ابن‌سینا درهم میشکند. ابن‌سینا گرچه در کتاب *شفا* از سنت ارسطویی تبعیت کرده و تفکر منطقی را راه رسیدن به حقیقت میداند (ابن‌سینا، ۱۴۳۰: ۱۶/۷-۱۹)، اما در *اشارات* به ذوق نیز هم‌وزن تفکر منطقی، سهمی برابر مینهد. وی در *اشارات* از این روش فلسفی با عنوان «حکمت متعالیه» نام میبرد و حصول آن را نیازمند ذوق و استدلال بیان میکند (ابن‌سینا، ۱۳۹۰: ۴۰۱).

